



عملیات فتح ۱ (حمله به پالایشگاه کرکوک)

محسن محمدی معین*

قرارگاه رمضان که به عنوان مرکز فرماندهی و اجرای جنگ‌های نامنظم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پنجمین سال جنگ تحمیلی شکل گرفت، مأموریت‌های متعددی بر عهده داشت. هدف فرمانده سپاه پاسداران از ایجاد چنین قرارگاهی عبارت بود از: نفوذ نیروهای رزمنده در عمق خاک دشمن با استفاده از روش‌های جنگ پارتیزانی و چریکی به منظور درگیر کردن ارتش عراق در مناطق گوناگون، اختلال در حرکت ماشین جنگی صدام، ارتباط با گروه‌ها و اقلیت‌های مختلف مردم عراق اعم از کرد و عرب در جهت حمایت از حرکت‌های مردمی علیه حکومت بعث و اجرای مأموریت‌های متعدد با هدف کشاندن نیروهای نظامی صدام به نقاط گوناگون کشور عراق و ایجاد تنش و پراکندگی میان سپاه‌ها و لشکرهای ارتش آن کشور.

نیمه‌ی دوم سال ۱۳۶۵، فصل نوینی در تحرکات قرارگاه رمضان آغاز شد و اجرای عملیات فتح ۱ در ۱۹ مهر ۱۳۶۵ که با همکاری جلال طالبانی و گروه تحت رهبری وی یعنی اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق در منطقه‌ی کرکوک انجام شد، نقطه‌ی آغاز این تحول تازه به شمار می‌آید.

مقاله‌ی حاضر به بررسی ابعاد گوناگون عملیات فتح ۱ پرداخته است.

چکیده

مقدمه

عملیات نامنظم شامل آن دسته از عملیات‌های نظامی است که مانند یک عملیات منظم از ساز و کار مشخص رزمی و چارچوب‌های تعریف شده و کمی برخوردار نیست، اما در عین حال از اصول و معیارهای معینی پیروی می‌کند که در نقاط گوناگون جهان، به کار گرفته شده و ساز و کار ویژه‌ی را معرفی می‌کند.

نابرابری در زمینه‌ی امکانات و تجهیزات نظامی و ادوات جنگی، اصلی‌ترین دلیل بهره‌گیری ارتش‌ها و گروه‌های نظامی از شیوه‌های جنگ چریکی و پارتیزانی و پیروی از اصول جنگ‌های نامنظم است. با این استدلال می‌توان در نگاهی جامع و وسیع به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دلیل استفاده‌ی فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حتی ارتش جمهوری

* گزارش عملیات فتح ۱ در سال ۱۳۶۵ توسط آقای سرمدی (راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ) نوشته شده و توسط آقای محسن محمدی معین (راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ) تکمیل شده است.

عملیات فتح ۱
(حمله به پالایشگاه کرکوک)

طالبانی، مسعود بارزانی، سران حزب الله کُرد عراق، آیت الله محمدباقر حکیم و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و برخی دیگر از شخصیت‌های مبارز شیعه‌ی عراق، به افزایش فعالیت‌های سیاسی- نظامی قرارگاه رمضان در سال ۱۳۶۵ انجامید و سبب طراحی و اجرای سلسله عملیات‌های نامنظم با عنوان "عملیات فتح" گردید. در این میان، "عملیات فتح ۱" که ۱۹ مهر ۱۳۶۵ با هم‌کاری "جلال طالبانی" و پیش‌مرگان تحت امرش در اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق و با هدف انهدام قسمتی از پالایشگاه کرکوک انجام شد و رزمندگان سپاه و ارتش موفق شدند در عمق ۱۸۰ کیلومتری دشمن نفوذ و ضربه‌ی سخت بر پیکر ماشین جنگی صدام وارد کنند، نقطه‌ی آغازین و بسیار مهم این سلسله عملیات‌ها به شمار می‌آید که در این نوشته، به اختصار به شش محور مهم آن پرداخته می‌شود.

نکته‌ی مهم این‌که عملیات فتح ۱ برای راویان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس نیز از نظر ثبت و ضبط وقایع تاریخ‌ساز، یک نقطه‌ی عطف به شمار می‌آید، زیرا دقیقاً در این عملیات بود که اعزام یک راوی (به همراه نیروهای عمل‌کننده) به داخل خاک عراق و مناطق عمقی‌تر آغاز شد و امکان کسب تجربه‌ی گران‌سنگ در زمینه‌ی تحقیقات میدانی برای عملیات‌های نامنظم و پارتیزانی را فراهم آورد. اما مهم‌ترین و اصلی‌ترین دستاورد عملیات فتح ۱ ورود اصلی جدید (در ششمین سال دفاع مقدس) به میان معیارها و شاخص‌های اساسی مبارزه با حکومت دیکتاتوری و تجاوزگر بعث بود. البته این معیار جدید که تا قبل از عملیات فتح ۱ نیز به طور جسته و گریخته وجود داشت، اما تحلیل‌گران و کارشناسان مسائل نظامی و سیاسی - نظامی جنگ، توجه چندانی به آن نمی‌کردند، عبارت بود از: نقش مردم و گروه‌های معارض کُرد و عرب عراقی در مبارزه علیه حکومت بعثی عراق.

اسلامی ایران از "شیوه‌ی جنگ نامنظم" را دریافت، زیرا روشن است که در طول جنگ از نظر لجستیکی و نظامی، هیچ‌گونه توازن و برابری میان ارتش ایران و عراق وجود نداشت و حتی در برخی مقاطع، این نابرابری شکننده بود.

بهره‌گیری از استراتژی جنگ نامنظم در حالی فکر مدیریت جنگ در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به خود معطوف کرد که تصور بر هم خوردن نابرابری امکانات و تجهیزات در آن موقعیت و حتی تأمین حداقل‌های مورد نیاز یک دفاع مقتدرانه، امری ناممکن بود؛ چه رسد به این‌که از ابتدای سال ۱۳۶۵ همه‌ی

مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده بودند که سال مذکور "سال سرنوشت" نام دارد و سرنوشت جنگ تحمیلی نیز مشخص خواهد شد.

انتظار عمومی در سال ۱۳۶۵، اجرای عملیاتی گسترده در جبهه‌ها و مقهور کردن ارتش تا بُن دندان مسلح عراق بود، اما اقدامات پدافندی و لجستیکی ارتش عراق، بر مشکلات اجرای چنین عملیاتی با رعایت اصل غافل‌گیری افزوده بود و

همه‌ی یگان‌های رزمی و قرارگاه‌ها مأموریت یافته بودند در خط حد یگان خود تحرک داشته باشند تا جبهه‌ها، حالت رخوت و رکود پیدا نکنند. قرارگاه رمضان نیز از این قاعده مستثنی نبود و از آن‌جا که نفس چنین دستوری، اجرای عملیات با بهره‌گیری از روش‌های جنگ نامنظم و پارتیزانی بود، قرارگاه رمضان مأمور به این اقدام شد و بر فعالیت‌های خود به لحاظ کمی و کیفی افزود.

رابطه‌ی مجدد با شخصیت‌ها و گروه‌های معارض عراقی، به ویژه اشخاصی همچون جلال

نیمه‌ی دوم سال ۱۳۶۵، فصل نوینی در تحرکات قرارگاه رمضان آغاز شد و اجرای عملیات فتح ۱ در ۱۹ مهر ۱۳۶۵ که با هم‌کاری جلال طالبانی و گروه تحت رهبری وی یعنی اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق در منطقه‌ی کرکوک انجام شد

نگاهی به وضعیت گروه‌های معارض عراقی:

سابقه‌ی مبارزات مردمی و همچنین درگیری‌های گروه‌های معارض عراقی با حکومت بعث عراق به مدت‌ها قبل از شروع تجاوز عراق به مرزهای ایران بر می‌گردد و صدام حسین و حکومت جنایت‌کار عفرقی‌اش در این مدت با انواع شیوه‌ها و ترفندها، با این اقدامات مقابله می‌کرد و قادر به کنترل و سرکوب تحرکات مردمی و گروهی شده بود. در واقع، حزب بعث به رهبری صدام به منظور تسلط هر چه بیش‌تر بر جای‌جای سرزمین عراق، سیاست‌ها و روش‌های مودیانه، ریاکارانه و پلیدی به کار می‌گرفت که ثمره‌ی جز کشتار و شکنجه‌ی اقشار مردم عراق اعم از کُرد و ترک و عرب (شیعه و اهل تسنن) و نابودی نسل و منابع ملی و ذخایر این کشور نداشت.

ایجاد شکاف و اختلاف میان اقوام و طوایف گوناگون و کوچک کردن گروه‌ها، احزاب و تشکل‌های سیاسی و مردمی که با هدف تضعیف این گروه‌ها و آسان شدن سرکوب آنان انجام می‌گرفت، از جمله‌ی این روش‌ها و سیاست‌ها بود، سیاستی که این حکومت دیکتاتور سال‌های سال با استفاده از آن توانست با سرعت

و خشونت هر چه بیش‌تر شخصیت‌های سیاسی-اجتماعی مخالف خود را از میان بردارد و در عرصه‌ی تبلیغات نیز دست‌های جنایت‌کار استخبارات و عناصر اطلاعاتی و امنیتی‌اش را-که عامل این اعمال سبعانه بودند- در پس اختلافات گروه‌ها، اقوام و شخصیت‌ها، پنهان و "ناشناس" معرفی کند. این حکومت جنایت‌کار در این راه به حدی ماهرانه عمل می‌کرد که یک طرف و حتی در موارد متعددی هر

دو طرف اختلاف را به پای میز مذاکره و سازش با حکومت عفرقی صدام می‌نشانند.

حوادثی که برای بسیاری از گروه‌های معارض کُرد و عرب عراقی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی (از تا سال ۱۳۶۵ هـ.ش.) رخ داد و سرنوشتی که برای بیش‌تر شخصیت‌های مبارز این گروه‌ها در این دوران رقم خورد، از این حوزه خارج نبود.

اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی از جمله گروه‌های قدرتمند معارض عراقی بود که در طول این دو دهه در برابر سیاست‌های مزورانه و فریب‌کارانه‌ی حکومت بعث، مواضع متفاوت و بعضاً متناقضی اتخاذ کرد.

مواضع و اقدامات اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق و جلال طالبانی:

جلال طالبانی و گروه تحت رهبری وی از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ میلادی در برابر مسائل داخلی عراق، حکومت بعث و حاکمیت دیکتاتوری صدام، گروهک‌های تروریست و ضد انقلاب ایرانی، جنگ



یک رزمنده مسلح و با تجهیزات و با لباس محلی ضمن حمل و نشانه روی به وسیله یک قبضه سام ۷ به سمت هواپیما یا هلی کوپتر دشمن در حوالی ارتفاعات قره داغ در حومه سر فرماندهی مالبند یک از قرارگاه رمضان در جریان عملیات فتح یک؛ کرکوک، ۱۳۶۵/۷/۲۰

عملیات فتح ۱
(حمله به پالایشگاه کرکوک)

مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران، به تیم‌های عملیاتی این سازمان اجازه داده بود از معابر وصولی منطقه‌ی تحت کنترل خود استفاده و در آن جا رفت‌وآمد کنند. همچنین پیش‌مردگان این اتحادیه با رزمندگان ایرانی در گُردستان ایران و عراق درگیر شده و برخی رسانه‌ها اخبار و در گزارش‌هایی در این‌باره منعکس کرده بودند. در مقطع زمانی دیگری نیز، همین گروه معارض عراقی به پیشنهاد فریب‌کارانه‌ی حکومت جنایت‌کار صدام مبنی بر امضای تفاهم‌نامه‌ی عدم درگیری با ارتش عراق و

تحمیلی و جمهوری اسلامی ایران و حتی در برابر دو بلوک مسلط بر جهان یعنی شوروی و کشورهای بلوک شرق و ایالات متحده‌ی امریکا و کشورهای بلوک غرب و نیز موضوعات استراتژیک بین‌المللی، مواضع متفاوتی داشت.

همین امر سبب شده بود که مسئولان لشکری و کشوری ایران در مورد سیاست‌های جدید این شخصیت معارض عراقی و گروهش در سال ۱۹۸۶ میلادی (۱۳۶۵ هـ. ش.) مبنی بر ارتباط با جمهوری اسلامی ایران و همکاری مستقیم با قرارگاه رمضان

و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در جنگ تحمیلی، دچار تردید شوند و با تأمل بیش‌تری به آن بپردازند، به عبارت دیگر، چرخش ۱۸۰ درجه‌یی مواضع این اتحادیه و ارسال نامه برای همکاری با جمهوری اسلامی جهت اجرای عملیات مشترک علیه ارتش عراق مشکوک و باور نکردنی بود زیرا، اتحادیه‌ی میهنی گُردستان عراق در یک مقطع زمانی، افراد تروریست سازمان منافقین را پناه داده و با وجود فعالیت‌های ضد انسانی و تروریستی این گروهک علیه



عملیات فتح ۱

این منطقه‌ی ماست و قبول نداریم. گفتند نخیر، ما می‌رویم و از دولت عراق دستور گرفته‌ایم و از دولت عراق اجازه گرفته‌ایم. گفتیم دولت عراق در این جا نیست؛ این جا منطقه‌ی آزاد شده است. در این جا اتحادیه‌ی میهنی وجود دارد. آن‌ها شلیک کردند و دو تا پیش‌مرگه‌ی ما را شهید کردند و پیش‌مرگان ما هم از خود دفاع کردند و ده نفر از آن‌ها را کشتند و از همه‌ی منطقه‌ی آزاد شده، ایشان را بیرون راندیم؛ یعنی در منطقه‌ی آزاد شده نماندند. ...^(۱)

در مورد مذاکره با رژیم بعث، مذاکرات ما با رژیم عراق در سال ۱۹۸۴ یعنی اواخر ۱۹۸۳ و

اوایل ۱۹۸۴ شروع شد. در زمانی بود که ما در وضع خیلی مشکلی قرار گرفته بودیم، اتحادیه‌ی میهنی کردستان در جنگ بود با عراق و برادران جمهوری اسلامی کم لطف بودند و ما، از پشت نیروهای دیگر ما را می‌زد، جو [جبهه واحد دموکراتیک عراق] علیه ما جنگ می‌کرد، ما در حصار اقتصادی بودیم، کمبود زیاد داشتیم، آذوقه و اسلحه نداشتیم، کمک‌های خارجی از ما بریده

شده بود وضع ما خیلی واقعاً دشوار بود و مشکلات فراوانی [پیش] روی ما بود و همه‌ی راه‌ها و درها به روی ما بسته شده بود. یک وضعیتی به وجود آمد که ناچار شدیم مذاکرات بکنیم برای این که یک نفسی بکشیم و یک استراحتی پیدا بکنند نیروهای خسته شده‌ی پیش‌مرگان کردستان که خیلی خسته شده بودند و اوضاع اقتصادی ایشان بد بود، استراحتی بکنند و تجدید قوا و تجدید نیرو بکنند و وضعیتی به وجود بیاید که ما بتوانیم به مبارزه‌ی خودمان ادامه بدهیم. البته ما فکر نمی‌کنیم که مذاکره خودش باعث

هم‌کاری با این حکومت، پاسخ مثبت داده بود. جلال طالبانی، در مصاحبه‌ی با راوی مرکز قرارگاه رمضان (برادر مسعود سردی) در ۲۴ مهر ۱۳۶۵، چند روز پس از اجرای عملیات فتح ۱، در توجیه این سیاست‌های متناقض گفت:

... [در مورد منافقین] اولاً - این‌ها، واقعاً قبل از این که ما بیاییم به این مناطق، این جا بودند؛ یعنی مثلاً شما می‌دانید این کوهی که حالا می‌بینید "چرماوند"، زیر دست دشمن بود تا سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴ هـ. ش). و این منطقه همه در دست دشمن بود و دشمن به آن منطقه مسلط بود. بعد از قطع مذاکرات، ما این منطقه را آزاد کردیم و این منطقه جزو منطقه‌ی ما شد. درباره این مسئله، طبعاً بعد از دوستی و هم‌کاری ما با جمهوری اسلامی، ما سیاستی را برای برادران جمهوری اسلامی روشن کردیم و توضیح دادیم که در هیچ کاری در امور داخلی ایران دخالت نخواهیم کرد و بر علیه جمهوری اسلامی به هیچ گروهی، به هیچ حزب و جماعتی، هم‌کاری و کمکی نخواهیم رساند و حمایت هم نخواهیم کرد و ما از این همه چیزها می‌خواهیم که منطقه‌ی کردستان و منطقه‌ی آزاد شده‌ی کردستان عراق تحت کنترل کامل ما باشد و از این منطقه، هیچ نیرویی نمی‌تواند برود به ایران حمله بکند. مثلاً حالا برای شما مثال می‌زنم در این جا شما یک گروهی که خودتان به منافقین نام می‌برید و اسم‌شان، خودشان می‌گویند مجاهدین خلق، در کردستان بودند. ما به آن‌ها گفتیم کسی نباید از خاک ما علیه ایران استفاده بکنند و این راه مسدود است به سوی شما و این‌ها گوش نکردند، آمدند چندین بار درگیری با ما کردند آخرین بار این بود که گروهی از این افراد مسلح [منافقین] که از دولت [صدام] پول و اسلحه می‌گیرند و برای دولت عراق دیدبانی و جاسوسی می‌کنند، می‌خواستند از منطقه‌ی آزاد شده عبور کنند و بروند در ایران چه کاری انجام بدهند. گفتیم کاکه؛ نمی‌شود از منطقه‌ی ما عبور کنید،

بهره‌گیری از استراتژی جنگ نامنظم در حالی فکر مدیریت جنگ در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به خود معطوف کرد که تصور بر هم خوردن نابرابری امکانات و تجهیزات در آن موقعیت، و حتی تأمین حداقل‌های مورد نیاز یک دفاع مقتدرانه، امری ناممکن بود

و هیچ چیزی به خلق کُرد نمی‌دهد؛ بعد از آن، باعث شد که جنگ شروع بشود بار دیگر بین ما و ایشان [حزب بعث] به این شیوه‌ی وسیع که حالا خودتان می‌بینید چه مناطق آزاد شده‌ی در کُردستان عراق هست. توده‌های مردم چه‌طور علیه دشمن شده‌اند و با پیش‌مرگان اتحادیه‌ی میهنی کُردستان چه‌طور قهرمانانه علیه دولت جنگ می‌کنند...^(۲)

به هر حال، توجیه این پیشینه اگرچه با کلمات و جملاتی آمیخته با باورها و اعتقادات ایرانیان هم‌راه بود، اما باور آن و پذیرش تقاضای اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق (ارتباط و هم‌کاری با جمهوری اسلامی ایران)، هم‌چنان برای عده‌ی دشوار بود.

برقراری روابط جلال طالبانی با جمهوری اسلامی ایران:

عملیات فتح ۱ که در پی پذیرش تقاضای جلال طالبانی مبنی بر هم‌کاری با نیروهای رزمنده‌ی جمهوری اسلامی ایران از جانب مسئولان وقت لشکری و کشوری انجام شد، تا حد بسیاری به ابهامات و تردیدها در مورد مواضع جدید اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق پایان داد و منطقه‌ی آزاد شده‌ی کُردستان عراق که در کنترل این اتحادیه قرار داشت، بستر مناسبی تشخیص داده شد تا رزمندگان ایرانی، به ویژه نیروهای تحت امر قرارگاه رمضان (مرکز فرماندهی و اجرای جنگ‌های نامنظم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به اجرای عملیات‌های چریکی و پارتیزانی در ابعاد گوناگون بپردازند.

البته این موافقت در پی چندین ماه تلاش مداوم این گروه معارض عراقی برای یافتن کانال مناسب ارتباط و اثبات حسن نیت خود انجام شد و در این مدت یعنی از اواخر سال ۱۳۶۴ تا پاییز ۱۳۶۵، اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق، ضمن رفع ابهامات موجود در مورد مواضع و عمل کرد این گروه معارض عراقی، بسیار کوشید تا روابط سرد میان این اتحادیه

تقویت صدام شده، هم‌کاری و وحدت با صدام باعث تقویت می‌شد یعنی ما اگر، اتحادیه‌ی میهنی، جزو دولت می‌شدیم و با دولت هم‌کاری می‌کردیم و این نیروهای خودمان را در طرف او می‌گذاشتیم این حتماً باعث می‌شد که دولت تقویت بشود و بتواند عمر خودش را دراز بکند ولی ما برعکس، از مدت مذاکرات استفاده کردیم برای پیش‌برد نیروی خودمان، توسعه و گسترش تشکیلات خودمان و مردم کُرد را بسیج کردیم بیش‌تر دور اتحادیه‌ی میهنی جمع شوند...

و بعداً در وقت مذاکرات واقعاً مبارزه‌ی ما یعنی اپوزیسیون ما علیه دولت تمام نشده بود، فقط مبارزه‌ی مسلحانه متوقف شده بود ولی مبارزات مردمی را ما رهبری می‌کردیم، اعتصابات، تظاهرات در شهرها علیه رژیم، ده‌ها هزار سرباز فراری پیش ما مانده بودند و از ارتش فرار کرده بودند و نرفته بودند به جنگ علیه جمهوری اسلامی یا علیه ما و در این مدت [دوران

مذاکرات] بود، مدتی بعد از این، [برای] مردم کُرد بار دیگر معلوم شد که این دولت هیچ چیزی به خلق کُرد نمی‌دهد چون قبل از مذاکره، دولت، یک تبلیغات وسیعی را شروع کرد در کُردستان و رفت پیش مذهبیون و مسلمان‌ها و ... و گفت ما حاضر هستیم همه چیز بدهیم و این‌ها [اتحادیه] عامل سوریه هستند و از حافظ اسد دستور می‌گیرند و نمی‌خواهند با ما چیز [آشتی] بکنند؛ مردم، خیلی به ما فشار آوردند ولی بعضی چیزها هست که مردم باید در آزمایش و تجربه یاد بگیرند و یاد هم گرفتند که: نخیر؛ این بار هم دولت [صدام] دروغ می‌گوید

انتقال تجهیزات نظامی و حدود ۲۰۰ رزمنده‌ی بسیجی و سپاهی به پشت خطوط دشمن و پیمودن ۱۸۰ کیلومتر راه برای رسیدن به اهداف مورد نظر، خود به تنهایی یک عملیات نظامی محسوب می‌شود

رمضان برای اجرای عملیات نظامی در بغداد به طور جدی طراحی و سازمان‌دهی شد و اقدامات اولیه برای اجرای آن نیز آغاز شد، اگرچه حتی در رده‌ی فرماندهی نیروی زمینی سپاه پاسداران نیز این طرح به دقت بررسی نشد و اصلی‌ترین دلیل آن، باور نکردن مشاهدات و اقدامات نیروهای قرارگاه رمضان بود.

"عملیات انتقال" مقدمه‌ی عملیات فتح ۱:

اگر چه حضور فرماندهان و مسئولان قرارگاه‌ها، یگان‌ها و واحدهای گوناگون نظامی در پشت خطوط جبهه و در مناطق عمقی دشمن، با خطر همراه بود، اما به منظور اقتناع فرماندهان رده‌های مختلف تصمیم‌گیرنده و عمل‌کننده‌ی نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و درک موقعیت مطلوب و بستر آماده‌ی این منطقه‌ی گسترده، چنین اقدامی در دستور کار قرارگاه رمضان در مقطع زمانی مذکور قرار گرفت.

فهرست فرماندهان و مسئولانی که هنگام درگیری نیروهای خودی با ارتش عراق، از خطوط اولیه‌ی دشمن عبور کردند و در پشت جبهه و مناطق عمقی عراق استقرار یافتند و آزادانه چندین روز و حتی چند هفته به شناسایی مناطق و طراحی عملیات در جهت اهداف گوناگون پرداختند و حتی با مردم و اعضای رده‌های مختلف گروه‌های معارض عراقی مستقیم ارتباط برقرار کردند فراوان و تحسین برانگیز است و اقدام آنان را می‌توان در ردیف عملیات‌های بزرگ نظامی که شاید در کم‌تر جنگی اتفاق می‌افتد به شمار آورد.

و جمهوری اسلامی ایران آرام آرام به ارتباطی منطقی و تعریف شده سوق پیدا کند و به اصطلاح یخ‌های این روابط ذوب شود.

جلال طالبانی و سایر رهبران اتحادیه‌ی میهنی در اولین گام همه‌ی تلاش خود را بر جلب نظر فرمانده و مسئولان قرارگاه رمضان معطوف ساخته و با ایجاد پایگاه و قرارگاه تاکتیکی ثابت سپاه پنجم در استان‌های گردنشین، در عمق و وسعتی حیرت‌انگیز، امکان حضور فرماندهان رده‌های مختلف و مسئولان اطلاعات و عملیات را در منطقه‌ی به عمق تقریبی ۲۰۰ کیلومتر در خاک عراق فراهم کردند، منطقه‌ی که حکومت عراق آن جا را امن و دور از آتش جنگ قلمداد می‌کرد.

برای فرماندهان و مسئولان اطلاعات و عملیات قرارگاه رمضان حضور در این مناطق و مشاهده‌ی اهداف نظامی، تأسیسات گوناگون اقتصادی و پایگاه‌های ارتش عراق اعم از پایگاه‌های نیروی زمینی و نیروی هوایی از نزدیک‌ترین فاصله و حتی با چشم غیر مسلح، اعجاب‌انگیز می‌نمود، اما عجیب‌تر چهره‌ی فرماندهان قرارگاه‌ها و یگان‌های منظم بود که به هنگام استماع گزارش مسئولان قرارگاه رمضان از چگونگی حرکت خود در خاک دشمن و حضورشان در میان مردم شهرها و روستاهای عراق حیرت‌زده بودند. در واقع باور این مطلب برای فرماندهان سخت بود که چه‌طور می‌شود حرکت چند ده متری یگان‌های منظم خودی در جبهه‌های جنوب با موانع متعددی روبه‌رو شود و دشمن به محض کوچک‌ترین تحرک آن‌ها را زیر آتش سنگین قرار دهد، ولی در شمال عراق، فرماندهان رده‌های مختلف قرارگاه رمضان در آرامش کامل به وسیله توپوتا لندکروز کیلومترها روی جاده‌های عراق حرکت کنند و بین مردم روستاها و شهرهای این کشور حضور یابند تا جایی که حتی طرح پیشنهادی فرمانده قرارگاه

منطقه‌ی کرکوک از نظر نظامی، به دلیل قرار گرفتن بین نقاط استراتژیک نظامی همچون ارتفاعات منتهی به سد دوکان و ارتفاعات پیرمگرون، بن‌زرد و کسرت از یک سو و ارتفاعات قره‌داغ از سوی دیگر، اهمیت ویژه‌ی دارد

عملیات فتح ۱
(حمله به پالایشگاه کرکوک)

دشمن بود و تأکیدی بر همکاری یک گروه معارض عراقی خاص نداشتند. در واقع موضوع مهم برای آن‌ها هماهنگی با رهبران گروه‌های معارضی بود که کنترل منطقه‌ی آزاد شده‌ی را بر عهده داشتند که رزمندگان برای وصول به اهداف باید از آن جا عبور می‌کردند.

به هر حال، در پی اظهار آمادگی جلال طالبانی و گروه تحت رهبری وی برای اجرای عملیات در کرکوک طرح مانور فتح ۱ از جانب فرمانده وقت نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تصویب شد.

در پی ابلاغ دستور اجرای عملیات فتح ۱ به قرارگاه رمضان، با توجه به ایجاد قرارگاه فرعی رمضان در منطقه‌ی یاغسمر استان سلیمانیه‌ی عراق با عنوان "قرارگاه مقدم رمضان"، این مأموریت به این قرارگاه ابلاغ و فرماندهی آن به همراه معاونت پشتیبانی قرارگاه رمضان، موظف شدند سلاح، مهمات و ادوات جنگی مورد نیاز عملیات فتح ۱ را به داخل خاک عراق انتقال دهند.

انتقال تجهیزات نظامی و حدود ۲۰۰ رزمنده‌ی بسیجی و سپاهی به پشت خطوط دشمن و پیمودن ۱۸۰ کیلومتر راه* برای رسیدن به اهداف مورد نظر، خود به تنهایی یک عملیات نظامی محسوب می‌شود، ضمن آن‌که علاوه بر این تعداد رزمنده و تجهیزات، به منظور کامل بودن ترکیب نیروها مسئولان و نیروهای متخصص مخابرات، بهداشتی، تخریب، تبلیغات و راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز که - وظیفه‌ی خطیر ثبت و ضبط وقایع و رخدادهای عملیات را در میدان نبرد بر عهده داشت - انتقال یافتند. افزون بر این، کمک‌های دارویی و آذوقه نیز برای رفع نیازهای مردم ساکن در مناطق آزاد شده‌ی تحت کنترل به اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق انتقال داده شد.

البته از مجموع این اقدامات و طراحی‌های مانورهای گوناگون در نهایت امر، قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) و سیاست‌گذاران اصلی کشور در خصوص مسائل جنگ، با قید دو شرط با اجرای عملیات‌های چریکی و پارتیزانی از جانب قرارگاه رمضان و با همکاری گروه‌های معارض عراقی موافقت کردند: ۱. این عملیات‌ها در قالب "سلسله عملیات‌های فتح" انجام شد. ۲. رهبران و سران گروه‌های معارض عراقی امنیت مناطق تحت کنترل خود را برای عبور رزمندگان ایرانی، تضمین کنند.

بدین ترتیب عملیات فتح ۱ - که نقطه‌ی آغاز سلسله عملیات‌های فتح در چارچوب عملیات نامنظم به شمار می‌رود - با همکاری اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق و با هدف حمله به تأسیسات نفتی کرکوک و پایگاه‌های نظامی و جاسوسی دشمن در آن منطقه، اجرا شد.

تذکر این نکته لازم و ضروری است که به دلیل

ضرورت عبور نیروهای عمل‌کننده از منطقه‌ی تحت کنترل اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق و رسیدن به اهداف خود عملیات فتح ۱ با همکاری این گروه معارض عراقی انجام شد و اگر اهداف مورد نظر این عملیات با عبور از منطقه‌ی تحت کنترل حزب دمکرات کردستان عراق - بارزانی‌ها - تحقق می‌یافت، قطعاً با این گروه همکاری انجام می‌گرفت. به عبارت دیگر، فرمانده و مسئولان قرارگاه رمضان آنچه مدنظر داشتند اجرای عملیات چریکی و پارتیزانی در همه‌ی مناطق قابل دسترسی

کرکوک در طول دوران مبارزات گروه‌های معارض عراقی و در طول جنگ تحمیلی همواره مرز میان مبارزان کُرد و حکوت عراق بود و به لحاظ "نفت خیر بودن" اهمیت اقتصادی بسیاری داشت

* با محاسبه از روی نقشه‌ی هوایی، مسافت مذکور ۱۰۰ کیلومتر است، اما مسیری که برای حرکت رزمندگان شناسایی شده بود با لحاظ کردن مسائل امنیتی و اطلاعاتی - عملیاتی حدود ۱۸۰ کیلومتر بود.

برای آگاهی از حجم تجهیزات نظامی جابه‌جا شده، آمار زیر قابل توجه و دقت است:

توافق‌نامه‌یی که در این خصوص به امضاء رسید، با درخواست‌های اتحادیه‌ی میهنی موافقت شد. این درخواست‌ها عبارت بودند از:

۱. جمهوری اسلامی ایران تسهیلات لازم به منظور تأمین راه عبور اعضای اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق به ایران و از ایران به دنیای خارج را فراهم کند.
۲. ایران کمک‌های مقتضی و مساعدت‌های لازم را به اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق در جنگ با صدام و رژیم بعث عراق بنماید و از ایشان پشتیبانی کند.
۳. از نظر دارویی و امکانات پزشکی، ایران به نیروهای تحت پوشش اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق که در مناطق آزاد شده‌ی تحت کنترل اتحادیه حضور دارند، کمک نماید و یا اجازه بدهد که اتحادیه بتواند اقلام دارویی و پزشکی مورد نیاز خود را از سایر کشورها تهیه کرده و از طریق ایران به کُردستان عراق انتقال دهد.
۴. در زمینه‌ی امور تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی به رسانه‌های گروهی، ضمن کمک به تأمین برخی

۱. کلاشینکف ۱۵۰۰ قبضه.
۲. B.K.C ۴۰ قبضه.
۳. دوشکا ۱۵ قبضه.
۴. R.P.G ۶۰ ۷ قبضه.
۵. خمپاره‌انداز ۱۲۰ م.م ۳ قبضه.
۶. خمپاره‌انداز ۸۱ م.م ۲ قبضه.
۷. خمپاره‌انداز ۱۲۰ م.م ۱۵۰۰ گلوله.
۸. خمپاره‌انداز ۸۱ م.م ۱۰۰۰ گلوله.
۹. خمپاره‌انداز ۶۰ م.م ۵۰۰ گلوله.
۱۰. گلوله‌ی تفنگ ۶۰ م.م ۵۰۰ گلوله.
۱۱. گلوله‌ی تفنگ ۱۰۷ م.م ۲۰۰۰ گلوله.
۱۲. موشک R.P.G ۷۳۵۴ گلوله.
۱۳. فشنگ کلاش ۲۱۵۰۰ عدد.
۱۴. فشنگ B.K.C ۱۰۰۰۰ عدد.
۱۵. فشنگ دوشکا ۱۲۰۰۰ عدد.
۱۶. کوله‌ی R.P.G ۱۲۰ ۷ عدد.^(۳)

اقلام مذکور در قالب قرارداد میان جلال طالبانی و رهبران اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق و فرمانده



مستولان اطلاعات و عملیات تیپ ویژه هوارد سپاه از چپ: ثروتی، ناظری، مولایی، قبادی، حمید قمصری و...؛ منطقه‌ی عملیاتی فتح یک، ۱۳۶۵/۷/۱۸

قرارگاه رمضان، به داخل عراق منتقل شد که مفاد آن به شرح زیر است:

به دنبال پی‌گیری‌های اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق برای ایجاد رابطه با جمهوری اسلامی ایران و پس از چند ماه مذاکرات نمایندگان دو طرف، درباره‌ی اجرای عملیات مشترک نظامی با هدف انهدام تأسیسات نفتی کرکوک و پایگاه‌های نظامی آن، سرانجام میان آن‌ها توافق حاصل شد و در

عملیات فتح ۱
(حمله به پالایشگاه کرکوک)

تأسیسات نفتی کرکوک بود و ضمن درک اهمیت این هدف، می‌بایست اعزام نیروهای شناسایی و اطلاعاتی - عملیاتی انجام و جزئیات طرح مانور به طور دقیق، تنظیم می‌شد.

چرا کرکوک؟

با بررسی جایگاه کرکوک در ساختار سیاسی و اقتصادی عراق، اهمیت حیاتی و نقش مهم این منطقه‌ی استراتژیک مشخص می‌شود و صحت نظر تصمیم‌گیرندگان و مسئولان وقت نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قرارگاه رمضان در تعیین این هدف مهم برای اجرای عملیات فتح ۱ به اثبات می‌رسد.

شهر "کرکوک" بعد از بغداد و بصره، سومین شهر مهم عراق به شمار می‌آید و در نقطه‌ی تقاطع سه استان یا سه منطقه‌ی استراتژیک عراق شامل بغداد، اربیل و سلیمانیه قرار دارد. این شهر به دلیل موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی‌اش، با توجه به کم‌رنگ شدن نقش بصره در طول جنگ و قرار گرفتن زیر آتش مستقیم حتی به عنوان پایتخت دوم عراق نیز برای حکومت صدام نقش‌آفرینی کرد. ترکیب جمعیتی شهر کرکوک متشکل از قومیت‌های مختلف اعم از کُرد، تُرک، عرب‌های مهاجر و شیعه و سنی بود که حکومت بعث عراق با توجه به آرامش حاکم بر ساکنان این شهر می‌پنداشت، به آسانی می‌تواند با استفاده از نیروی نظامی اندک و سیاست‌های دیکتاتور مآبانه‌ی همچون تخریب اماکن و کشتار اقشار بی‌گناه و همچنین کوچ اجباری برخی اقوام و طوایف، بر این شهر تسلط یابد.

منطقه‌ی کرکوک از نظر نظامی، به دلیل قرار گرفتن بین نقاط استراتژیک نظامی همچون ارتفاعات منتهی به سده دوکان و ارتفاعات پیرمگرون، بن‌زرد و کسرت از یک سو و ارتفاعات قره‌داغ و به ویژه جبال حمرین، از سوی دیگر، اهمیت ویژه‌ی دارد. گفتنی است که پس از کرکوک، اولین خط دفاع

اقدامات و هماهنگی‌های لازم جهت انتقال بعضی از قطعات خریداری یا اخذ شده از سایر کشورها به داخل عراق را به انجام رساند.

۵. در جهت تأمین آذوقه و سبد مصرفی خانوارها و افراد حاضر در منطقه‌ی آزاد شده‌ی تحت کنترل اتحادیه‌ی که در محاصره‌ی اقتصادی و نظامی رژیم عراق قرار دارند، جمهوری اسلامی ایران اجازه دهد که اعضای اتحادیه بتوانند آذوقه و مایحتاج مورد نیاز خود را از شهرها و روستاهای ایران خریداری کرده و به عراق منتقل نمایند.

۶. نیروهای اتحادیه در سطح رهبران و فرماندهان و مسئولین، بتوانند به ایران تردد کرده و افرادی که قصد عزیمت به سایر کشورها جهت شرکت در اجلاس و مراسم ویژه‌ی دارند، قادر باشند از طریق ایران به کشورهای مزبور سفر نمایند.^(۴)

به دنبال این توافق‌نامه‌ی هم‌کاری، اقدامات اولیه‌ی

که برای اجرای عملیات فتح ۱ می‌بایست انجام می‌گرفت. به دلیل ضعف سازمانی و نداشتن برنامه‌ی از قبل طراحی شده، با یک ماه تأخیر انجام شد.

برادر مصلحی از مسئولان قرارگاه در جلسه‌ی ۲۶ مهر ۱۳۶۵ درباره‌ی دلیل تأخیر عملیات گفت: «...متأسفانه به دلیل این‌که ما سازمان مشخصی نداشتیم که روی این موضوع کار کند یعنی هیچ گروهانی، گردانی، تپیی و لشکری نداشتیم که بگوییم این مأموریت توسط؛ برو شناسایی کن، طرح را بریز و مسائل را دنبال کن...»

به هر حال، هدف اصلی عملیات، انهدام

محمدباقر ذوالقدر: مطمئن باشید دشمن متوجه نشده است. شما به خدا اعتماد کنید تردید به خود راه ندهید. بدون فوت وقت و با سرعت و دقت و قاطعیت بر تمامی اهداف حمله برید و قلب امام و امت و روح شهدا را شاد کنید. همه منتظرند. مبادا که در اراده‌ی خلل ناپذیر شما که متکی به اراده‌ی خداست، سستی پیش آید

استراتژیک بغداد، ارتفاعات جبال حمرین می‌باشد. کرکوک در طول دوران مبارزات گروه‌های معارض عراقی و در طول جنگ تحمیلی همواره مرز میان مبارزان کُرد و حکوت عراق بود و به لحاظ "نفت‌خیر بودن" اهمیت اقتصادی بسیاری داشت، طوری که دولت‌مردان ترکیه، گه‌گاهی بی‌محابا اشتیاق خود را برای تعرض نظامی به عراق و تصرف کرکوک از طریق رسانه‌های خارجی بین‌المللی ابراز می‌کردند.

« به دلیل این‌که در ابتدا نیروی مشخصی برای این کار معین نگردیده بود از نیروهای متفرقه‌یی که به منطقه آمده بودند استفاده شد و چند نفر از بچه‌های تخریب، چند نفر از بچه‌های مریوان و چند نفر از بچه‌های تهران به محورهای مختلف برای شناسایی

اهداف مورد نظر رفتند.»

به دلیل همین بی‌سازمانی، حتی چند نفر از نیروهایی که برای شناسایی اهداف به عمق رفته بودند، بعد از شناسایی به ایران بازگشتند و گفتند که ما برای دیدن منطقه آمده بودیم. برادر مصلح در این باره می‌گوید:

« ما حتی کارمان با این افراد به جایی رسید که به این‌ها التماس کردیم، گفتیم تو را به خدا بماند. رضای

در بیان اهمیت نظامی کرکوک به هنگام شناسایی آن منطقه برای اجرای عملیات نظامی، باید به وجود پایگاه هوایی، پایگاه موشکی تاو، مقر اصلی سپاه یکم و هشتم و پادگان مجهز منافقین نیز اشاره کرد. در واقع اهمیت اقتصادی این منطقه از سایر ابعاد آن بیش‌تر بود و پالایشگاه کرکوک تأمین‌کننده‌ی هزینه‌های ماشین جنگی صدام به شمار می‌رفت. میزان بهره‌برداری از حوزه‌های نفتی کرکوک در زمان اجرای عملیات فتح ۱ در مهر ۱۳۶۵، بالغ بر ۲،۷۰۰،۰۰۰ بشکه نفت در روز و بیش از ۱۰۰ میلیون فوت مکعب گاز بود. این پالایشگاه اصلی‌ترین تأمین‌کننده‌ی بودجه‌ی حکومت عراق به شمار می‌آمد که خسارت به آن، علاوه بر اقتصاد عراق، بر اقتصاد منطقه و بازارهای بین‌المللی نیز تأثیر می‌گذاشت.

شناسایی دقیق اهداف عملیات:

از آن‌جا که نیروهای اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق نقش راهنما را در این عملیات ایفا می‌کردند و بخشی از پیش‌مرگان این گروه معارض عراقی وظیفه‌ی همراهی نیروهای اطلاعات و عملیات قرارگاه رمضان را برای شناسایی اهداف مورد نظر در منطقه‌ی کرکوک بر عهده داشتند، به دلیل معلوم نبودن سازمان یگان عمل‌کننده به ناچار از نیروهای مستقر در قرارگاه مقدم رمضان در یاغسمر - که برای مشاهده‌ی وضعیت عمومی منطقه در این قرارگاه

خدا در این کار است بمانیم. شما اطلاعات کسب کرده‌اید ما بعد از شما نمی‌توانیم کسانی را برای شناسایی بفرستیم. به هر حال چند نفر از این‌ها نماندند و الباقی که ماندند، آمدند و اطلاعات‌شان را آوردند.»^(۶)

در حالی که فرمانده قرارگاه رمضان برای انهدام اهداف تعیین شده در کرکوک یگان عمل‌کننده‌ی مشخص نکرده بود، اتحادیه‌ی میهنی کُردستان عراق ۲۰۰۰ پیش‌مرگ عضو این اتحادیه را برای این اقدام سازمان‌دهی و حتی فرمانده عملیات و فرماندهان محورها (مالبندها)ی گوناگون را نیز مشخص کرده و نام "عملیات وحدت" را برای آن برگزیده بود.

در دقایق اولیه‌ی عملیات، زبانه‌های آتش ناشی از منفجر شدن لوله‌های انتقال نفت و گاز، حیرت نیروهای نظامی عراق را طوری برانگیخت که بدون هدف به وسیله‌ی توپ‌های ضد هوایی مستقر در منطقه به اطراف شلیک می‌کردند



تعدادی از برادران رزمنده و کادر از جمله از راست: برادر کاک آزاد از اتحادیه، مرتضی مسعودی جانشین تیپ هوایرد، کاک پلا مسئول محور عملیاتی اتحادیه، و محمد ناظری مسئول عملیات؛ کرکوک، ۱۳۶۵/۷/۱۹

اقدامات نیروهای اعزامی به منطقه کرکوک و شناسایی مواضع و پایگاه‌ها و نحوه دست‌یابی به تأسیسات برای حمله‌ی نظامی به آن‌ها، به شکل مطلوبی انجام شد.

اما نکته‌ی مهم و ظریف در عملیات فتح ۱، توانایی تحسین برانگیز فرماندهان قرارگاه رمضان و رهبران اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق در تلفیق دو نیرو با ساز و کارهای متفاوت بود که برای انهدام هدفی واحد

در عملیاتی مشترک در نظر گرفته شده بودند.

یگان‌های عمل کننده در عملیات فتح ۱:

از قرارگاه رمضان یگان‌های زیر وارد عملیات شدند:

رمضان به منطقه‌ی عملیاتی وارد شدند.

از اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق نیز ۲۰۰۰

پیش‌مرگه در قالب یگان‌های پارتیزانی زیر وارد

عملیات شدند:

- تیپ ۲۱ کرکوک به فرماندهی کاک سیروان.
 - تیپ ۲۵ خلفان به فرماندهی کاک ملا ارس.
 - تیپ ۹۳ کوی سنجق به فرماندهی کاک ملا ابراهیم.
 - تیپ ۲۳ یورداش به فرماندهی کاک نبغه.
 - تیپ ۷۸ قره‌چرخ به فرماندهی کاک صفین.
 - تیپ ۶۸ دشت هوله به فرماندهی کاک مام غفور.
 - تیپ برانتی به فرماندهی کاک هیمن.
 - تیپ ۵۱ گرمیان به فرماندهی کاک محمود لنگاوی.
 - تیپ ۵۳ تیروانه به فرماندهی کاک عادل.
 - تیپ ۵۷ سیگره به فرماندهی کاک آزاد.
 - تیپ ۵۵ قره‌داغ به فرماندهی کاک آوات.
- و دو تیپ حفاظتی مالبد (منطقه‌ی ۱ و ۲ اتحادیه، با مشخص شدن نام و تعداد نیروهای عمل کننده، هماهنگی‌های لازم برای اجرای عملیات مشترک

• تیپ ویژه‌ی هوایرد به فرماندهی برادر شفق.

• تیپ ویژه‌ی پاسداران به استعداد ۷ دسته و ۲۰ تخریب‌چی (۲۳۰ نفر) که قرار بود به فرماندهی

برادر صادق محصولی عمل کنند.

• گروه ادوات به فرماندهی برادر غلام پاک‌روح.

• گروه پدافند به فرماندهی برادر بویاقچی.

• گروه تخریب مهندسی به فرماندهی برادر محمد عاصمی‌پور.

• گروه بهداری به فرماندهی برادر نادری.

• گروه مخابرات به فرماندهی برادر بیغان.

البته در جریان انتقال نیرو و تجهیزات نظامی به دلیل برخی ناهماهنگی‌ها چند نفر از فرماندهان مذکور، از جمله برادر محصولی، موفق به حضور در منطقه‌ی عملیاتی فتح ۱ نشدند و در نهایت، ۱۳۰ تن از رزمندگان در قالب یگان‌های گوناگون قرارگاه

... منطقه‌ی عملیات در استان کرکوک - شهرهای کرکوک، دبن، آلتون کپری، ترس، قره حسن، شران و در استان اربیل شهرهای اربیل، مخمور، کوی سنجق و شهرستان‌های کندنیاه: تواج و ططق در استان صلاح‌الدین و شهرهای طوزخورماتو و قادرکرم در استان دیالی شهر کفری و سرقلعه در استان سلیمانیه و شهر چمچال، آغمر، سنگا و ...

... محورهای اصلی در این عملیات:

الف. محور (بدر) به منظور انهدام تأسیسات موجود در کرکوک و بابا گورگور و دبس.

عملیات فتح ۱ همچنین، سرآغاز اطمینان مسئولان جمهوری اسلامی ایران به جلال طالبانی و گروهش و ایجاد ارتباط با آنها و اجرای فعالیت‌های مشترک به شمار می‌رفت و نقطه‌ی عطفی در روابط فی‌مابین محسوب می‌شد

ب. محور (خندق) به منظور انهدام تأسیسات جبل بور و جمبور.^(۸)

قبل از آغاز عملیات فتح ۱، نیروهای اتحادیه و فرمانده عملیات آنان کاک نوشیروان به دلیل لو رفتن عملیات در اجرای آن دچار تردید شدند و حتی طرح جای‌گزین، یعنی اجرای عملیات در "دوکان" در دستور کار نیروها قرار گرفت، با این حال فرمانده قرارگاه رمضان - برادر ذوالقدر - که

در باختران (کرمانشاه) مستقر بود، در ۱۳ مهر ۱۳۶۵ این پیام را خطاب به نیروهای ایرانی داخل عراق، به قرارگاه مقدم رمضان در یاغسمر ارسال کرد:

«... مطمئن باشید دشمن متوجه نشده است. شما به خدا اعتماد کنید تردید به خود راه ندهید. بدون فوت وقت و با سرعت و دقت و قاطعیت بر تمامی اهداف حمله برید و قلب امام و امت و روح شهدا را شاد کنید. همه منتظرند. مبادا که در اراده‌ی خلل‌ناپذیر شما که متکی به اراده‌ی خداست، سستی پیش آید. برادر رحیم صفوی [جانشین نیروی زمینی سپاه پاسداران] نزد ماست و پی‌گیر کار شماست.»

و تقسیم وظایف انجام شد و به دلایل مختلف هماهنگی مقتضی به شکل زیر صورت گرفت:

«از آن‌جا که واگذاری اهداف مشترک به نیروها امکان‌پذیر نبود؛ اولاً- نیروها به دلیل مدت کوتاه هم‌زیستی مشترک و اختلاف فرهنگی و زبان نمی‌توانستند با یک‌دیگر کار کنند و حتی به دلیل عدم شناخت هم‌دیگر ممکن بود در عملیات یک‌دیگر را بزنند و ثانیاً به دلیل عدم امکان تعیین یک فرمانده مشترک، چگونه می‌توانستند برای تعیین زمان عملیات به توافق برسند. واگذاری اهداف مستقل هم امکان‌پذیر نبود چرا که هر یگانی جناح یگان دیگر بود و لذا عدم موفقیت هر گروهی می‌توانست سبب عدم موفقیت گروه دیگر شود و در آن صورت مشخص نمی‌شد که مسئول موفقیت یا عدم موفقیت کیست. به علاوه، کار با ادوات بر عهده‌ی نیروهای سپاه و تصرف پایگاه‌ها بر روی کانسی دوملان بر عهده‌ی نیروهای اتحادیه گذاشته شد. ...»^(۷)

طرح مانور و شرح عملیات فتح ۱:

در پی فراهم شدن مقدمات اجرای عملیات و انتقال سلاح‌ها، مهمات و ادوات مورد نیاز عملیات به پشت خط دشمن و استقرار نیروهای عمل‌کننده که به منظور حفاظت اطلاعات عملیات حدود ۴۸ ساعت قبل از "حمله" وارد منطقه شده بودند، دستور عملیاتی زیر در ۱۹ مهر ۱۳۶۵ با رمز "زینب کبری (س)" صادر شد:

«... هدف: انهدام تأسیسات عمده‌ی نفتی در شمال - حمله به تأسیسات سیاسی، اقتصادی و نظامی در منطقه، حمله به مرکز جاسوسی و امنیتی در داخل شهرهای قابل دسترسی...»

... استعداد نیروهای خودی - در این عملیات یک گردان نیروی ادوات و ۷ دسته‌ی ۱۷ نفری نیروی پیاده و چند تیم نیروی تخریب از پیاده و ۲ هزار نفر از نیروهای اتحادیه وارد عمل خواهد شد.



تعدادی از نیروهای رزمنده، مسلح و با تجهیزات در حال عبور از یک رودخانه در منطقه عملیاتی کرکوک، ۱۳۶۵/۷/۱۹

آغاز عملیات:

پس از رفع تردیدها و ابهامات در زمینه مسائل حفاظت اطلاعات و عملیات، نیروهای رزمنده‌ی بسیجی و سپاهی متشکل از نیروهای آموزش دیده‌ی تیپ ویژه‌ی هوابرد، تیپ ویژه‌ی ۷۵ ظفر، تیپ ویژه‌ی ۶۶ پاسداران و گروه‌های تخریب، مهندسی، بهداری، مخابرات، پدافند و ادوات - که بالغ بر ۱۳۰ رزمنده

بودند- با تقسیم در مالبد ۲۱ منطقه‌ی آزاد شده‌ی کردستان عراق و ادغام با ۲۰۰۰ نیروی پیش‌مرگه‌ی اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق عملیات خود را ساعت ۲ بامداد ۱۹ مهر ۱۳۶۵، اجرای آتش ۴ موشک‌انداز ۱۰۷ م.م (مینی کاتیوشا) و ۳ خمپاره‌انداز ۱۲۰ م.م و سایر سلاح‌های سبک و نیمه سنگین خود را به مدت ۳/۵ ساعت به انجام رساندند. در دقایق اولیه‌ی عملیات، زبانه‌های آتش ناشی از منفجر شدن لوله‌های انتقال نفت و گاز حیرت نیروهای نظامی عراق را طوری برانگیخته بود که بدون هدف به وسیله‌ی توپ‌های ضد هوایی مستقر در منطقه به اطراف شلیک می‌کردند. همچنین بر اثر اصابت گلوله‌های رزمندگان تحت امر قرارگاه رمضان به انبار مهمات پایگاه‌های نظامی دشمن، انفجار مهیبی رخ داد و بخش وسیعی از منطقه‌ی عملیاتی فتح ۱ روشن شد. بدین ترتیب، عملیات فتح ۱ با شلیک گلوله‌های مینی کاتیوشا و خمپاره‌ی ۱۲۰ م.م، به تعداد بالغ بر ۲۰۰۰ گلوله روی اهداف از پیش تعیین شده در پالایشگاه کرکوک و پایگاه‌های نظامی عراق و

همچنین پادگان نظامی منافقین و مرکز تقویت شنود و "مرکز تشویش" فرکانس‌های مخابراتی، به مدت بیش از ۳ ساعت، به انجام رسید و با دستور فرمانده عملیات مبنی بر بازگشت نیروهای عمل کننده به نقاط امن در منطقه‌ی آزاد شده‌ی کردستان عراق، در ساعت ۰۵:۳۰ بامداد ۲۰ مهر ۱۳۶۵ به اتمام رسید و خسارت و تلفات فراوانی بر ارتش عراق وارد آورد. اوج موفقیت در یک عملیات پارتیزانی و نامنظم، وارد آوردن ضربه و خسارت بر اهداف تعیین شده و ترک منطقه‌ی عملیاتی در اسرع وقت است، بدون این‌که به نیروهای خودی صدمه‌ی وارد آید. بنابراین، خروج فوری نیروهای عملیاتی در اولویت بخش تکمیلی عملیات قرار داشت و فرماندهان حاضر در منطقه‌ی نبرد به شدت بر بیرون رفتن نیروی انسانی خودی از منطقه تأکید داشتند و حتی به دلیل روشن شدن تدریجی هوا در دقایق پایانی عملیات، دستور دادند در صورتی که انتقال قبضه‌های ادوات، جان نیروی خودی را در معرض تهدید قرار می‌دهد، قبضه‌های مذکور را رها و نیروها را به محلی امن منتقل کنند، ولی

عراق که به این دو قرارگاه ضایعات و خسارات سنگینی وارد شده و تعدادی از فرماندهان ارتش عراق کشته و یا مجروح شدند.
۱۰. انهدام پادگان دارمان که محل استقرار دو تیپ عراقی بوده و شمار کثیری از نفرات دشمن در این حمله کشته و یا زخمی شدند.
۱۱. تسخیر و انهدام بیش از ۲۰ پایگاه بر روی ارتفاعات دومان و کشته شدن و به اسارت درآوردن تعدادی از نفرات این پایگاه‌ها.

۱۲. انهدام مرکز استراق سمع و جاسوسی الکترونیکی و پارازیت [...] واقع در "سقزلی".

۱۳. به آتش کشیدن دکل تلویزیونی [...] و ماکروویو کرکوک.

۱۴. انهدام ایستگاه راه آهن "بی‌بایگوره" که کار انتقال نفت و فرآورده‌های سوختی را بر عهده داشت.^(۹)
آیت الله هاشمی رفسنجانی نیز در گزارشی درباره‌ی آخرین وضعیت جبهه‌ها، در تشریح عملیات فتح ۱، گفتند:

«... حتماً آقایانی که مایل

بوده‌اند با منطقه‌ی کرکوک آشنا شوند، آن‌جا را مورد مطالعه قرار داده‌اند، جایی که از مدت‌ها پیش قله‌های پولادین نام‌گذاری شده بود و واقعاً هم اگر دست نیروهای کارآمد بود باید قله‌های پولادین نامیده می‌شد. عراقی‌ها در آن‌جا حدود ۲۰ پایگاه نظامی ایجاد کرده و علاوه بر آن نیروهای احتیاط قابل توجهی هم در آن‌جا گذاشته بودند. حالا، قله‌های پولادین به سرعت سقوط کرد بدون این‌که از نیروهای ما حتی یک نفر شهید بشوند و تنها چند نفر محدود از افراد طالبانی شهید شدند...»^(۱۰)

نیروهای عمل کننده با پذیرش ریسک مذکور، همه‌ی سلاح‌ها و ادوات را پس از پایان عملیات اجرای آتش، از منطقه خارج کردند و اجازه ندادند، هیچ یک از آن‌ها به دست دشمن بیفتد.
در اطلاعیه‌ی قرارگاه خاتم‌الانبیا درباره‌ی نتایج و دستاوردهای عملیات فتح ۱ چنین آمده است:

انهدام هدف‌های عملیات

۱. انهدام تأسیسات پالایشگاه کرکوک که ظرفیت [تولید] ۳۰ هزار بشکه در روز را دارا می‌باشد و سوخت نفت سفید، بنزین و گازوییل استان‌های شمالی عراق را تأمین می‌کرد.
۲. انهدام واحد بهره‌برداری شماره یک از تأسیسات نفتی عراق که بدین ترتیب ۷۰ درصد از توان بهره‌برداری از نفت عراق در کرکوک از دشمن سلب شد.
۳. انهدام نیروگاه حرارتی برق کرکوک که برق مناطق صنعتی و شهر کرکوک را تأمین می‌کرد.
۴. انهدام سه پایگاه موشکی زمین به هوا در منطقه کرکوک که مسئولیت حفاظت هوایی این منطقه را به عهده داشته است.
۵. انهدام مقر منافقین و ضد انقلابیون خود فروخته و به هلاکت رساندن نفرات مستقر در آن.
۶. انهدام تأسیسات تفکیک نفت و گاز "جمبور" که دارای ظرفیت [تولید] ۳۰۰ هزار بشکه نفت در روز [بود] و نیز تأسیسات تصفیه‌ی مقدماتی گاز و تأسیسات گاز این مجموعه که دشمن را از دستیابی به ۱۰۰ میلیون فوت مکعب گاز محروم خواهد کرد.
۷. انهدام تأسیسات تفکیک نفت و گاز "جبل‌بور".
۸. انهدام تأسیسات نفت و گاز "شوراو" که ظرفیت جداسازی و تفکیک ۱۰۰ هزار بشکه در روز را دارا بود.
۹. حمله و اجرای آتش بر روی قرارگاه سپاه یکم

به دنبال پی‌گیری‌های اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق برای ایجاد رابطه با جمهوری اسلامی ایران و پس از چند ماه مذاکرات نمایندگان دو طرف، درباره‌ی اجرای عملیات مشترک نظامی با هدف انهدام تأسیسات نفتی کرکوک و پایگاه‌های نظامی آن، سرانجام میان آن‌ها توافق حاصل شد و در توافق‌نامه‌ی که در این خصوص به امضاء رسید، با درخواست‌های اتحادیه‌ی میهنی موافقت شد

دستاوردهای عملیات فتح ۱:

و گروه‌های معارض عراقی با صدام و حکومت علفقی‌اش جلب شد. تکوین مبارزات مردمی و مخالفت‌های گروه‌های معارض عراقی با سیاست‌های جنایت‌کارانه‌ی صدام و در پی آن، اجرای عملیات فتح ۱ و تبلیغ هم‌کاری مشترک مردم عراق با رزمندگان ایرانی به واقع مرحله‌ی نوینی را فراروی جنبش‌های مردمی عراق قرار داد و رسانه‌های خارجی جهانی نیز مجبور به انعکاس این تحولات شدند.

ارجاعات:

۱. سند شماره ۶۱۶۸۹، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، متن دست‌نویس پیاده شده نوار مصاحبه اختصاصی جلال طالبانی رهبر اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق در ۱۳۶۵/۷/۲۴ با راوی قرارگاه رمضان در عملیات فتح ۱ برادر مسعود سرمدی در محل قرارگاه مرکزی اتحادیه‌ی میهنی یاغمسر، استان سلیمانیه عراق، صص ۱۴-۱۲.
۲. همان. صص ۱۵ و ۱۷.
۳. سند شماره ۱۸۱۹۴۲، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، نامه فرماندهی قرارگاه رمضان برادر ذوالقدر به جلال طالبانی دبیر کل اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق به شماره ۲۲۴-۱ک، ط، ص ۲، (۱۳۶۵/۶/۶).
۴. نوار شماره ۴۶ جلسه قرارگاه رمضان، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، (۱۳۶۵/۷/۲۶).
۵. همان.
۶. گزارش دست‌نویس راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، عملیات فتح ۱ برادر مسعود سرمدی، گزارش شماره گ-۲۹۴، صص ۴ و ۵، (مهر ۱۳۶۵)
۷. عمل‌کرد قرارگاه رمضان در دفاع مقدس، کتاب چهارم، صص ۲۲ و ۲۳.
۸. مأخذ ۶.
۹. مأخذ ۷.
۱۰. همان.

اجرای عملیات فتح ۱ هم از نظر موقعیت زمانی و هم به لحاظ منطقه‌ی حساسی که عملیات در آن‌جا اجرا شد یعنی "کرکوک"، دستاوردهای مهمی برای فرماندهان جنگ و تصمیم‌گیران برنامه‌های کلان و دراز مدت نظامی ایران و همچنین برای گروه‌های معارض عراقی، به خصوص جلال طالبانی و گروه تحت رهبری وی یعنی اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق به همراه داشت و تأثیر مهمی بر تحلیل مفسران و کارشناسان جنگ ایران و عراق در رسانه‌های خارجی بین‌المللی گذاشت. همچنین معیار و اصل جدیدی را در تحلیل‌های مربوط به جنگ ایران وارد کرد که پیش از این چندان مورد توجه نبود.

این عملیات به فرماندهان و مسئولان جنگ، ثابت کرد که با کمک مردم و مساعدت گروه‌های معارض عراقی، عبور از خطوط مقدم و حرکت در پشت خطوط دشمن و مناطق عمقی عراق، و با بهره‌گیری از شیوه‌ی جنگ‌های پارتیزانی و چریکی، می‌توان خسارت شدیدی بر ماشین جنگی صدام وارد آورد.

عملیات فتح ۱ همچنین، سرآغاز اطمینان مسئولان جمهوری اسلامی ایران به جلال طالبانی و گروهش و ایجاد ارتباط با آن‌ها و اجرای فعالیت‌های مشترک به شمار می‌رفت و نقطه‌ی عطفی در روابط فی‌مابین محسوب می‌شد.

در واقع با اجرای این عملیات توجه مفسران رسانه‌های خارجی و تحلیل‌گران مسائل جنگ ایران و عراق به مسایل داخلی عراق، اقوام، طوایف و قبایل نقاط مختلف این کشور و مبارزات مردمی

در گزارشی درباره‌ی آخرین وضعیت جبهه‌ها، در تشریح عملیات فتح ۱، گفتند: عراقی‌ها در آن‌جا حدود ۲۰ پایگاه نظامی ایجاد کرده و علاوه بر آن نیروهای احتیاط قابل توجهی هم در آن‌جا گذاشته بودند. حالا، قله‌های پولادین به سرعت سقوط کرد بدون این‌که از نیروهای ما حتی یک نفر شهید بشوند و تنها چند نفر محدود از افراد طالبانی شهید شدند